

سعودی‌ها از چه می‌ترسند؟

امسا می‌دانیم ایران، ژاین نیست. هم اوپاما این را می‌داند و هم سعودی‌ها این را می‌فهمند. البته دغدغه‌های سعودی‌ها فراتر از چارچوب‌های توافق هفته گذشته است. برای ریاض پیشرفت هسته‌ای ایران بسیار خطرناک است و آن را پروژه گسترده‌ای در راستای تغییر نظم کنونی منطقه در خاورمیانه در جهت استیلای تهران ارزیابی می‌کنند. بی‌ثبات‌سازی و تضعیف عربستان چیزی است که نزد سعودی‌ها در زمره ملاحظات خطرناک درک می‌شود. دغدغه دیگر عربستان - درست یا نادرست - این است که توافق با ایران دغدغه‌های این کشور را نادیده می‌گیرد و این توافق خواست ایران را برای تبدیل‌شدن به «قدرت بزرگ منطقه» تقویت می‌کند و آن را مشروعیت می‌بخشد. همانطور که آمریکا در سوریه به نوعی به فشار اسد میدان داد، سعودی‌ها در هراسند که این‌بار نیز توافق با ایران به خواست درازمدت ایران برای برتری منطقه‌ای میدان دهد. سعودی‌ها می‌ترسند که این برتری ایرانی تا مکه و مدینه هم امتداد پیدا کند. باید گفت که «پارناوبید» سعودی‌ها درباره قربانی‌شدن‌شان به واسطه امضای توافقنامه‌ای میان تهران- واشنگتن چیز تازه‌ای نیست، اما واقع امر این است که امروز سعودی‌ها با احتیاط، محیط اطراف خود را زیر نظر دارند و پیر این باورند که امروز بیش از هر زمان دیگری درباره دغدغه‌هایشان محق هستند. آنها فکر می‌کنند که دولت اوپاما در مورد مهم‌ترین دغدغه آنها بی‌تفاوت و در بدترین حالت ممکن آشکارا در تقابل با آن بوده است.

در ذهن سعودی‌ها یک الگوی بسیار روشن و خطرناک در حال شکل‌گیری است؛ اینکه آمریکا در حال فروختن متحدان قدیمی و حتی خیانت به آنهاست. آنها گوش به زنگ نتانیاهو هستند و بر این باورند که حتی اسراییل - جدی‌ترین دوست آمریکا در منطقه- دیگر امن نیست و از اینکه آمریکا آن را در توافق با تهران تنها گذاشته، شگفت‌زده هستند. به چه عبارتی باید گفت، در واقع آمریکا آنها را «پیچانده» است. نمی‌دانم در عربی چه واژه‌ای برای «پیچاندن» به کار می‌برند.

عربستان بیش از هر زمان دیگری متقاعد شده است که یک تلاش منظم برای کاهش حضور آمریکا و درگیری‌هایش در مناقشات منطقه و کم کردن نقش و رهبری واشنگتن و نهایتاً. عقب‌نشینی آمریکا وجود دارد.

حاشیه‌نگاری خبرنگار «شرق» از ۳ دور مذاکره هسته‌ای

یادمانده‌های «ژنو»

زینب اسماعیلی‌سیوری

اجازه دهید ابتدا به شما بگویم که چرا مذاکرات ژنو بعد از حدود هشت‌سال مذاکره بی‌دریی در رسانه‌ها اینقدر اهمیت یافته است؛ قطعاً مهم‌ترین دلیل اهمیت آن، رسیدن به توافق بین ایران و کشورهای مذاکره‌کننده (۵+۱) بر سر فعالیت هسته‌ای کشور ماست. اما این سکه روی دیگری هم دارد؛ در این مذاکرات تعداد زیادی خبرنگار ایرانی که در رسانه‌های داخل کشور کار می‌کردند، حضور داشتند و توانستند از نزدیک اخبار لحظه به لحظه این مذاکرات را پوشش دهند. در مذاکرات پیشین این خبرگزاری‌ها بودند که با یک یا دو خبرنگار و عکاس امکان پوشش اخبار را پیدا می‌کردند و به‌دنبال آن خبرنگاران روزنامه‌ها، سایت‌ها و هفته‌نامه‌ها- هر چند پرتیراژ و پربازدیدکننده - مجبور به استفاده از فرآورده خام تولیدی خبرنگاران خبرگزاری‌ها بودند. آنچه به سبک خبر خبرگزاری‌ها تنظیم شده - نقل‌قول‌هایی که متن خبر را تشکیل می‌دهد و نبرداشتن به تصاویر- موجب می‌شد که ما به‌عنوان خبرنگارانی که در همان حوزه کار می‌کردیم نیز چیزی بیشتر از مخاطب ندانیم. اما مذاکرات ژنو برای تعداد زیادی خبرنگار فرصتی بود که از نزدیک یک اتفاق تاریخی را رصد کنند و اخبار آن را بدون واسطه به مخاطبان خود ارائه کنند. این موضوع برای خبرنگاران روزنامه‌ها به‌ویژه روزنامه‌های اصلاح‌طلب که در هشت‌سال گذشته مزه توقیف و تذکر را بهتر از بقیه اجزا کار خود چشیده بودند، امتیاز ویژه‌تری بود. اگرچه روایت‌های مختلفی از موضوع اجازه حضور خبرنگاران روزنامه‌ها در شبکه‌های اجتماعی منتشر شده، اما علاوه بر اینکه پذیریم چه کسی با کسائی برای این موضوع پادرمیانی کرده‌اند، هویداست که نظر مثبت شخص وزیر خارجه و سخنگوی این وزارتخانه نقش تعیین‌کننده‌تری در

ماجرای داشت. روزنامه «شرق» نیز این امکان را یافت که در جریان مذاکرات ژنو به واسطه حضور یک خبرنگار، اخبار و گزارش‌ها را از منظر خود به اطلاع مخاطب برساند. در ادامه سه نوبت تجربه پوشش خبری مذاکرات ژنو را فراتر از اخبارش با هم مرور می‌کنیم.

از پابون مهرآباد تا پابون GENEVA

اواسط اکتبر (یعنی مهرماه) مذاکره اول آغاز می‌شد، روابط عمومی وزارت‌خارجه از تعدادی رسانه که از قبل تعیین‌شده بود، خواست تا خبرنگار خود را معرفی کنند، بعد از نامه‌نگاری‌های اینچنینی و انجام انگشت‌نگاری در سفارت سوییس، بخش تشریفات وزارت‌خارجه، ویزای خبرنگاران را گرفت و خبرنگاران همراه با نیم مذاکره‌کننده و وزیر خارجه از پابون دولت در فرودگاه مهرآباد به مقصد ژنو عازم سفر شدند.

در هر سه پرواز هواپیمایی «معراج» با خلبان «سیه‌جانی» با همان میهمانداران مسافران را به مقصد می‌رساند. در سفر اول، وزیر خارجه با کم‌رودر شدید مواجه بود به همین دلیل نتوانست در هواپیمای در جمع خبرنگاران حضور پیدا کند؛ برخلاف سفرهای بعدی که با آمدن در بخش انتهایی هواپیمای، به خبرنگاران سلام و خسته نباشید گفت. تصاویری از «ظریف» که روی تخت و زیر پتو در پرواز دراز کشیده، همان‌روز گرفته شد و قرار بود کسی آن را منتشر نکند. اما خبرنگاری بدقولی کرد و ساعات ابتدایی روز اول مذاکره، آن را منتشر کرد. سیدعباس عراقچی، عضو ارشد تیم مذاکره‌کننده که بعد از ظریف ریاست مذاکره را برعهده دارد و با مدتی سخنگویی ارتباط پیشتری با خبرنگاران داشت، اغلب در جمع خبرنگاران حضور پیدا می‌کرد و از خطمشعی مذاکرای که در پیش دارند صحبت

می‌کرد. قبل از رسیدن به شهر ژنو، ردشن از رشته‌کوه پریرف الب، برای همه ما جالب بود، تقریباً همه خبرنگاران و عکاسان تلاش می‌کردند از یکی از پنجره‌های کوچک هواپیمای کادری برای عکاسی پیدا کنند تا عکسی از این رشته‌کوه رویایی در عکس‌هایشان داشته باشند. با گذشتن از رشته‌کوه آلپ و تکان‌های شدید پرواز لای ابرها، به یکباره فضای سبز گسترده‌ای از پنجره‌های کوچک هواپیمای مشخص می‌شود بعد از آن خانه‌هایی با سقف شیروانی رنگی، درست مانند نقاشی‌های کودکی ما. بعد رودخانه‌ای عریض که گویی شهر را به دو نیم تقسیم می‌کند و دوباره فضای سیزی که به محوطه فرودگاه می‌رسد فرودگاهی پررق که در دوردشتش درختان سرسزی دیده می‌شوند ساختمان پابون اختصاصی فرودگاه ژنو با حروف «GENEVA» مشخص شده است، کار کتان فرودگاه با احترام نقش میزبانی را برعهده می‌گیرند خودروهای تشریفات هیات مذاکره‌کننده را می‌پرند و چند ون که از نمایندگی تهران در ژنو راهی فرودگاه شده‌اند، خبرنگاران را به هتل رسانند. هتل CROWN PLAZA توسط وزارت‌خارجه برای خبرنگاران رزرو شده بود اما در سفرهای بعدی، هزینه هتل توسط خود خبرنگار، پرداخت شد. البته برخی خبرنگاران هم از این قاعده مستثنا بودند و وزارت‌خارجه هزینه آنها را پرداخت کرد.

شهری متفاوت

روز اول حضور در ژنو برای خبرنگاران تجربه جالبی بود، حضور در شهری کاملاً متفاوت از تهران، هوای تمناک و تمیز شهر، با‌باران‌هایی که اندکی می‌بارید و اندکی می‌ایستاد؛ سیستم حمل‌ونقل عمومی منظمی که زمان حضورشان در ایستگاه روی تابلویی، مشخص بود و اقی باری که خیلی از ما را به دیدن شهر راضب می‌کرد. گروهی از خبرنگاران باها هم به راه افتادیم و در اولین ایستگاه، سوار اتوبوس خط ۱۰ شدیم. خطی که مسافران را از فرودگاه به مرکز شهر می‌رساند به کمک نقشه‌هایی که از پذیرش هتل گرفته بودیم و برنامه MAP موبایل‌هامان سعی می‌کردیم، گم نشویم. برای کسانیکه از اولین‌بار چنین شهری را می‌دیدند، تصاویر جالب، کم نبود. بوق‌زدن، ایستادن همه خودروها پشت خط عابر پیاده و چراغ زرد و اجازه‌دادن به عابر برای ردشن از خط عابر. معماری یکسان و همدست اروپایی، دوجرخ‌ها و موتورهای پارک‌شده بسیار زیاد و نظم سرویس حمل‌ونقل عمومی که با کارت تاریخ‌دار حمل‌ونقلی که هتل داده بود می‌توانستیم از آن استفاده کنیم. البته برای سوار یا پیاده‌شدن نیازی به نشان‌دادن کارت نبود اما گاهی بازرسان حمل‌ونقل، کارت مسافران را چک می‌کردند و در صورتی‌که کارت نداشتیم جریمه سنگینی نوشته می‌شد. شب اول پیش از آنکه کتجک‌لوی ما ارضا شود، هوا تاریک شد و در نابوری ما، مغاز‌ها بسته و شهر خلوت شد، ساعت حوالی هفت بود اما تنها اتوبوس‌ها رفت‌وآمد می‌کردند با انگشت‌شمار مسافر. البته هزینه خروج از هتل برای گروه کتجک‌لو ما بازماندن از شامی بود که قرار بود در محل میهمان‌پذیر سفارت ایران در ژنو نصیبمان شود و آنچه نصیبمان شد، خورش کرفس باقیمانده از چند شب پیش بود که به شوخی به هم می‌گفتیم از خانه همسایه قرض گرفته‌اند. در تمام روزهای مذاکرات ژنو حکایت غذای خبرنگاران همین بود، غذایی که از دفتر نمایندگی آورده می‌شد اما عموماً ما هیچ وقت در شرایط مناسب غذاخوردن نبودیم.

خبرنگاران بین هتل تا CIGC

ساختمانی در ژنو به نام CIGC محل برگزاری همایش‌های مختلف بود که در جریان سه دور مذاکره بر سر فعالیت هسته‌ای ایران، برای استقرار خبرنگاران اختصاص یافته بود. خبرنگاران تمام خبرگزاری‌ها و روزنامه‌های بزرگ دنیا اینجا جمع بودند، طبقه «نفی» که هرکدام کنار هم نشستند بودند، برخلاف خبرنگاران ایرانی که اغلب جوان و کم‌سِن هستند، بین خبرنگاران خارجی می‌شد افراد پرس‌وسالی را دید که صاحب اسم‌های معروفی هستند. برخی از آنها سال‌هاست که در حوزه مسایل هسته‌ای ایران کار می‌کنند و با منابع خبری مهمی مانند کاخ‌سفید یا نهادهای بین‌المللی در ارتباط هستند.

برای خبرنگاران ایرانی اتاقی در طبقه دوم فراهم شده بود که می‌توانستند در آنجا مستقر باشند. البته تعداد کمی از خبرنگاران آن اتاق را برای استقرار انتخاب می‌کردند بقیه



عکس‌ها، زینب اسماعیلی، شرق

یا در سالتی که همه خبرنگاران حضور داشتند، مستقر شده بودند یا در لای هتل اینتر کنتینتال هتل تا محل خبرنگاران فاصله یک کیلومتری داشت که می‌شد با اتوبوس خط ۵ به آنجا برسیم اما گاهی سرعت کار خبر موجب می‌شد که خود را به باد و باران‌های بی‌قرار شهر بسپاریم تا به سرعت به محل اصلی خبر برساییم. یکی از هتل‌های گران شهر، محل استقرار هیات مذاکره‌کننده هفت کشور بود؛ محلی که می‌توانستیم وزرای خارجه کشورهای بزرگی مانند آمریکا، فرانسه، روسیه، آلمان، انگلیس و چین را در کنار وزیر ایرانی خود ببینیم. در هنگام عبور و مرور وزیر خارجه آمریکا، مراتب امنیتی شدیدی حاکم می‌شود. عبور و مرور بقیه وزرای خارجه راحت‌تر انجام می‌شود. تنها ماوران امنیتی هستند که جلو خبرنگاران را می‌گیرند تا وارد مسیر عبور و مرور وزرای خارجه نشوند و با صدای هماهنگی با هم «هیس» می‌کنند که خبرنگاری سوال نپرسد. گاهی هم وزرای خارجه برای مواجه‌شدن با خبرنگاران، از در پشتی هتل خارج می‌شوند. خبرنگاران اما در روزهای مذاکره در لای هتل سرگرداند، بخش‌شده روی میل‌های هتل که با نورهای موضعی روشن می‌شود و گاهی به‌دنبال پرزیز برقی تا لپ‌تاپ‌هایشان را شارژ کنند. گاه به دلیل کمبود جابجوری به نشست روی زمین می‌شوند که گویا خیلی به مذاق مدیریت هتل خوش نمی‌آید و کار کتان هتل از خبرنگاران می‌خواهند که از روی زمین بلند شوند حتی اگر جای دیگری برای نشست نداشته باشند. البته همه این موارد با احترام انجام می‌شود.

از چرت تا نشست خبری

هتل اینتر کنتینتال برای خبرنگاران جایی برای دستیابی به خبر توافقی در مذاکرات ایران و ۵+۱ بر سر فعالیت هسته‌ای ایران بود، اما برای بسیاری دیگر محلی برای نشستن در کافه و نوشیدن یا حضور در میهمانی‌های مجلل بود. هم‌زمان با دور دوم مذاکرات، عروسی در طبقات هتل برپا بود و هنگام دور سوم مذاکرات نیز جشن خیریه‌ای با نفع کودکان بی‌سرپرست در حال برگزاری بود. موسیقی اسپانیایی که میهمانان بار هتل را سرگرم کرده‌ود، چرت خبرنگاران را هم می‌پراند. در مذاکراتی که تا شب دیروقت به طول می‌انجامید خبرنگاران زیادی بودند که به چرت یا حتی خواب رفته بودند و با سروصدای نشست خبری یا عبور یک عضو مذاکره چرتشان پاره می‌شد. اگرچه خبرنگاران بزرگی برای پوشش خبری مذاکرات ژنو در این محل حضور یافته بودند اما آنها عموماً ارتباطی با منابع خبر ایرانی نداشتند. حضور سخنگوی هیات مذاکره‌کننده در جمع خبرنگاران داخلی موجب می‌شد تا آنها به منبع خبر برای خبرنگاران خارجی تبدیل شوند. برخی خبرنگاران تلویزیون‌های ژاپنی و عربی هم از فرط بی‌خبری از مذاکرات پشت درهای بسته، با خبرنگاران صداسویمای ایران مصاحبه می‌کردند چون به واسطه استقرار دوربین‌هایشان در طبقه همکف پیشتر در چشم بودند. مذاکره‌کننده‌ها پشت درهای بسته مذاکره می‌کردند و نصیب خبرنگاران، خبر رفت‌وآمد مذاکره‌کنندگان و شروع و پایان مذاکره دو یا چندجانبه بود یا خبر گرفتن از «مایکل مان»، سخنگوی «کاترین اشتون» که بیشتر به گپ و گفت با او منجر می‌شد نه دست پیدا کردن به خبر. همانطور هم‌صحبتی با «الن ابر»، سخنگوی فارسی زبان وزارت خارجه که او نیز خبری نمی‌داد بلکه فقط با خبرنگاران ایرانی هم‌صحبت می‌شد. البته از همین هم‌صحبتی‌ها متوجه شدم که او خیلی علاقه‌مند به خواندن کتاب فارسی است و در روزهای مذاکره در حال مطالعه کتاب «آقای سفیر» است. این کتاب به مرور خاطرات جواد ظریف پرداخته است. شبهای آخر مذاکره برای مذاکره‌کنندگان شب سختی بود اما برای خبرنگاران شب درازتری بود چون تازه بعد از پایان مذاکره و نشست‌های خبری، آنها باید به سرعت خبر و گزارش‌های خود را به رسانه‌های‌شان در تهران می‌رساندند. رسانه‌ای که دو ساعت دیرتر از وقت ژنو، منتظر دریافت گزارش‌های خبرنگاران‌شان از ژنو بودند. بعد از فشار کار و بیش از ۲۸ ساعت بیداری آن هم وقتی که اتفاق را در هتل برای چندمین بار تحویل داده باشی، می‌توان روی میل یا صندلی یا روی زمین هم پلاس شد، آن هم وقتی خیال‌مان از بابت توافقی ژنو راحت شده باشد.



خبرنگاران و عکاسان منتظر شروع نشست خبری

اطلاعات

سر مقاله: «حرف‌های گفتنی»؛ علیرضا خانی

در یک نگاه کلی و دور از هر نوع سوگیری، به نظر می‌رسد که گزارش صدروزه روحانی، به‌رغم حجمه‌هایی که به آن وارد شده، گزارش موفقیتی بوده است. وقتی گزارش به جای «شعار»، به «آمار» استناد می‌کند و به جای همه‌چیز را خوب و آرام و همگان را خوشبخت جلوه‌دادن، سعی می‌کند سختی‌ها و تلخی‌ها را لاپوشانی نکند و مصایب موجود و راه دشوار پیش‌رو را با واقع‌بینی و صداقت به مردم نشان دهد، آن‌گاه است که صاحب کارنامه‌ها را به عکس‌المعمل و جدل برمی‌انگیزد و همین نشان می‌دهد که حرف‌هایی که گفته شد، بسی گفتنی بود.

انتقاد

یادداشت: «سخنی با رییس‌جمهور»؛ فرشاد مومنی
دولت محترم و شخص رییس‌جمهور به هیچ وجه نباید فیصله‌یافتن موقتی ماجرای هسته‌ای را به معنای پایان کار مسوولیت خود و دولت‌شان در عرصه اقتصاد به‌شمار آورد. واقعیت آن است که سخن‌راندن درباره اینکه اکنون هم فضایی برای فعالان اقتصادی مهیا شده است از نظر کارشناسی به هیچ وجه سخن دقیقی نیست چراکه امکان دولت مداخله‌ای بالغ بر ۷۰ درصد در اقتصاد دارد و به اعتباری راه نفس فعالان اقتصادی توسط مداخله‌های اغلب تا‌کارآمد آلوده به فساد دولت بسته شده است، بنابراین دعوت از فعالان اقتصادی مستلزم تمهید یک بستر نهادهی مناسب برای آنان است.

کیمان

تیتیر یک: «اتحادیه اروپا هم مثل آمریکا قابل اعتماد نبود»

در فاصله کمتر از یک هفته از توافق ژنو میان ایران و گروه موسوم به ۵+۱، شورای اتحادیه اروپا ۱۷ شرکت ایرانی را به فهرست تحریم‌های ضد ایرانی خود اضافه کرد. این رویکرد و اقدام خصمانه و کینه‌توزانه در حالی است که ایران طی هفته‌ها و ماهه‌ای اخیر و پیش از توافق در ژنو، بارها با اعتمادسازی، حسن‌نیت خود را به طرف مقابل نشان داد.

سر مقاله: «حقوق شهروندی، متن یا حاشیه؟» محمدصادق فقفوری

نمی‌توان «منشور حقوق شهروندی» مورد نظر رییس‌جمهور محترم را یک «ایتکار» یا «ان‌سواوری» در عرصه حقوق و تأمین حقوق شهروندان تلقی کرد، چراکه مفاد آن با تعریف جامع و مانع در قانون اساسی و سایر قوانین پیرامونی آمده و ضرورت اجرایی دارد. از این روی بیم آن می‌رود که اقدام مورد اشاره فقط در بستر یک حرکت سیاسی- تبلیغاتی به صحنه آمده باشد که پیش از آن نیز نمونه‌های مشابهی در دولت موسوم به اصلاحات داشته و «سیاسی» بودن آن- به جای محتوای حقوقی- بر کسی پوشیده نیست. انتظار از دولت محترم آن است که به جای پرداختن به اینگونه مسایل جانبی و تبلیغاتی، بیشترین ظرفیت و تلاش خود را برای مقابله با مشکلاتی نظیر مسایل اقتصادی، تورم، گرانی، اشتغال- و- به کار گیرد و از درگیر کردن افکار عمومی به مسایل حاشیه‌ای که برای دولت محترم نیز فرصت‌سوز و هزینه‌ای بی‌سود است پرهیز کند.

تأیید

یادداشت: «یک پیشنهاد در باب شیوه گزارش‌دهی»؛ زهرا علی‌اکبری

گزارش عملکرد صدروزه دولت از سوی رییس‌جمهور ارایه شد. اینجا ایران است و فاصله آنچه روی کاغذ نوشته می‌شود با آنچه در کوچه و خیابان می‌گذرد فراوان است. در بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته، رسم نیست مراکز ارایه آمار زیر نظر قوممجر به باشند و اداره آنها به صورت فراقوای صورت می‌گیرد، تا آمار محلی برای اعتمادسازی ارایه شوند. حالا در چنین شرایطی خردت و ایجاد مرکز آمار غیردولتی می‌تواند از همین دولت آغاز شود.

حما

یادداشت: «آقای روحانی قرار این نبود» رحیم زباده‌لی

رییس‌جمهور محترم نوید گشایش اقتصادی پس از صدروز به مردم داده بود و قرار بود از این «احساس تحول‌های اقتصادی» برای مردم گزارش دهد، اما آنچه سمنسنبه شب افکار عمومی برخلاف انتظار، از رییس دولت تدبیر و امید دریافت کردند، سیاهه‌ای از سیاه‌نمایی علیه دولت گذشته بود؛ بدون اینکه کمترین اثری از وعده داده شده در آن مشاهده شود.

درخت کندی،م، آهن کاشتم

همه می‌دانند در شهر بزرگی مانند تهران وسایل نقلیه عمومی نسبت به جمعیت آن بسیار اندک است. کشورهای در حال توسعه ترافیک عمومی را حل کرده‌اند و مردم را کمتر به این اداره و آن اداره می‌کشاند. کمتر کسی رغبت می‌کند وسیله شخصی خود را به خیابان به صورت تک‌ترش‌نشین هدایت کند. در تهران می‌توانند این مشکل را از راه جریمه حل کنند یا با خرید طرح‌ترافیک جلودوری خودروها را در داخل شهر بگیرند. قسمتی از مشکل نایاکی هوا در تهران مربوط به رفت‌وآمد خودروهاست، به نظر کارشناسان مشکل اصلی نایاکی هوا، بن‌زین‌های موجود، خودروهای غیراستاندارد، وجود کارخانجات متعدد پیرامون این شهر، ساخت‌وسازهای بی‌رویه، سوزاندن زباله‌ها در اطراف تهران، سرگردان‌بودن مردم در ادارها و ده‌ها عامل دیگر است که می‌تواند با تدبیر به‌دست دولتمردان حل شود و در نهایت باید به مردم آموزش داد که نسبت به محیط‌زیست خود حساس باشند و تنفس هوای پاک را از حقوق خود حقه بدانند و این پدیده شوم را به گردن خدا و طبیعت نیندازند.